

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام علیها)

سال شانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، پیاپی ۴۳، صص ۶۷-۹۰

بررسی شبهات دکتر سها در مورد هفت آسمان در قرآن کریم

حسین رضایی^۱

فرج الله میرعرب^۲

DOI: 10.22051/tqh.2019.25376.2406

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸

چکیده

مبارزه با قرآن کریم به روش های مختلفی از آغاز نزول این کتاب آسمانی انجام شده و هنوز ادامه دارد. یکی از روش های مقابله دشمنان که امروزه شدت گرفته، ترویج شبهات علیه قرآن کریم جهت تضعیف اعتقادات مسلمانان است. در این راستا کتابی با عنوان «نقد قرآن» از دکتر سها منتشر گردیده که گفته شده، کامل ترین کتاب در زمینه نقد قرآن است. نویسنده که تلاش کرده وجود خطا و ضعف را در قرآن کریم ثابت کند، در بخش شبهات علمی علیه قرآن، با استناد به آیات و روایاتی، به نقد آیات مربوط به هفت آسمان پرداخته و این نظریه را ضمن ارتباط دادن به نظریه بطلمیوسی و افسانه های کهن، اشتباه علمی دانسته است. این تحقیق قصد دارد به نقد و بررسی دقیق ادعای مطرح شده بپردازد. پژوهش حاضر، به روش توصیفی- تحلیلی با گرایش انتقادی و بر اساس منابع

کتابخانه‌ای انجام شده و هدفش دفاع از نظریه وحیانی و حق بودن همه داده‌های قرآن، از جمله داده‌های علمی آن است. حاصل پژوهش این است که اولاً نویسنده به روایات ضعیف اتکا کرده، ثانیاً "هفت آسمان" ریشه در وحی داشته و از آنجا به اساطیر ملل وارد شده، نه بالعکس و ربطی به هیئت بطلمیوسی، که در آن سخن از هشت یا نه فلک است، ندارد. ثالثاً نه تنها هیچ دلیل علمی بر رد موضوع هفت آسمان وجود ندارد، بلکه وجود آسمان مطبق (لایه‌های جو) از یافته‌های مسلم و قطعی علمی است که می‌تواند کشفی علمی برای تأیید نظر قرآن باشد، هر چند که یافته‌های علم تجربی در این عرصه هنوز بسیار اندک است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، نقد قرآن، دکتر سها، هفت

آسمان، نظریه بطلمیوسی.

مقدمه و طرح مسئله

قرآن کریم که کتاب هدایت بشر به منازل کمال و رستگاری است، در مواردی اشاراتی به سایر علوم دارد، چنان که آیاتی از مظاهر آفرینش خدا و بعضی اسرار هستی سخن می‌گویند تا انسان‌ها را از طریق آیات طبیعی به خالق آنها هدایت کند. هر چند که قرآن کریم کتاب علوم طبیعی نبوده و منظور از مطرح نمودن چنین موضوعاتی نیز صرفاً ذکر یک موضوع طبیعی نمی‌باشد، ولی با توجه به اینکه این داده‌ها از سوی خالق دانای به اسرار عالم نازل گشته باید با قواعد علمی و شواهد قطعی علوم طبیعی مطابق باشد.

قرآن کریم در آیه ۱۴ سوره ملک می‌فرماید: «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»؛ آیا آن خدایی که خلق را آفریده، عالم به اسرار آن نیست؟ در حالی که او باخبر و آگاه است.

به همین دلیل، به موازات پیشرفت علوم طبیعی، پرده از اسرار آیات قرآن کریم نیز برداشته شده و حقانیت آن بیش از پیش روشن و آشکار می‌گردد. محققین و دانشمندان علوم طبیعی بسیاری در جهان، بعد از بررسی‌های فراوان به این نتیجه رسیده‌اند که قرآن کریم چیزی جز وحی الهی نیست. به عنوان مثال پرفسور پرساود^۱ (متخصص آناتومی دانشگاه مانی توبای کانادا و نویسنده بیش از ۲۰ کتاب و ۱۸۱ مقاله علمی) بعد از بررسی آیات جنین‌شناسی در قرآن در یک سخنرانی می‌گوید:

«من شخصاً نمی‌توانم بگویم که این تصادفی و شانسی محض بوده است. من اعتراف می‌کنم که این مفاهیم ریشه در یک وحی الهی دارد و نمی‌تواند از منبعی غیر از وحی سرچشمه گرفته شده باشد»
(Persaud, 2013).

موریس بوکای (رئیس کلینیک جراحی دانشگاه پاریس) نیز در مقدمه کتاب «تورات، انجیل، قرآن و علم» می‌نویسد:

«من بدون هیچگونه پیشداوری و با واقع بینی تام، وحی قرآنی را با جستجوی درجه سازگاری آن با داده‌های دانش نوین آغاز کردم... در پایان برایم روشن شد که قرآن هیچ مطلبی که از نظر علمی عصر جدید انتقادپذیر باشد، ندارد» (تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۰).

با وجود چنین اعترافات از دانشمندان بزرگ علوم طبیعی، برخی، داده‌های طبیعی قرآن را، انکار یا تکذیب کرده‌اند و در تلاش برآمده‌اند این داده‌ها را در تعارض به علوم کشف شده از سوی دانشمندان جهان قرار دهند. عرصه فضای مجازی جولانگاه شبهاتی در این زمینه است. مقام معظم رهبری در این باره معتقدند که امروز دشمن برای اینکه بتواند ذهن جوان مسلمان مؤمن ایرانی را منحرف کنند، منابع مالی فراوانی را خرج ایجاد شبهات اعتقادی در فضای مجازی می‌کند (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۶/۶/۱۳۹۵).

در همین زمینه، اخیراً کتابی با عنوان «تقد قرآن»، نوشته شخصی به نام سها در فضای مجازی منتشر گردیده است. تلاش نویسنده که نامی مستعار برای خود برگزیده، در بخشی از کتاب، اثبات وجود خطا و ضعف در داده‌های علمی قرآن کریم است. متأسفانه نشر گسترده کتاب مذکور در فضای مجازی، آسیبهای اعتقادی بسیاری به دنبال داشته که این موضوع لزوم پاسخگویی هرچه زودتر به این کتاب موهوم را مسجل می‌نماید.

از سوی دیگر یکی از مسائل کشف نشده در علم هیئت و نجوم مسئله هفت آسمان است که قرآن مطرح کرده است. قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ... ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ او خدایی است که آفرید... سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیز آگاه است. در آیه دیگر از هفت راه سخن به میان آمده: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقٍ وَ مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ»؛ ما بر بالای سر شما هفت راه [طبقات هفتگانه آسمان] قرار دادیم؛ و ما (هرگز) از خلق (خود) غافل نبوده‌ایم» (مؤمنون: ۱۷).

آیه دیگر از مدت زمان ساخت هفت آسمان و برنامه برای آنها و کیفیت زینت کردن آسمان دنیا سخن می‌گوید: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أُوحِيَ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرُهَا وَ زِينَتَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ»؛ در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی [ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهاب‌ها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا! (فصلت: ۱۲). در آیه دیگری از طبقات روی هم آسمان‌های هفت گانه بحث است: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّجْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ»؛ همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟ (ملک: ۳).

ناقد قرآن در بخش شبهات علمی، با استناد به آیات و روایاتی، به نقد آیات مربوط به

کهن، اشتباه علمی دانسته است. این پژوهش به شبهه مذکور می‌پردازد و نشان خواهد داد که نقد آیات مربوط به هفت آسمان و اشتباه علمی دانستن آن کاملاً غیر علمی است. اهمیت پژوهش از آن جهت است که ایجاد تردید در ذهن معتقدان به قرآن، زمینه اجرایی شدن آن را سست می‌کند و اساس اسلام با چالشی جدی مواجه می‌شود. زیرا قرآن تنها حجت بر حقانیت اسلام و رسالت خاتم پیامبران است و با تردید در آن، دلیلی بر گرایش به دین خاتم باقی نخواهد ماند. پس مسئله این پژوهش گرچه جزئی است، ولی رفع شبهه از آن و حل مشکل گامی مهم در جهت دفاع از دین خاتم خواهد بود.

پیشینه تحقیق

نقد قرآن کریم موضوعی است که پیشینه آن به صدر اسلام برمی‌گردد. از قرن نخست قمری تاکنون کتاب‌هایی در نقد قرآن و کتاب‌هایی در پاسخ به آنها تألیف شده است که برخی از آنها عبارتند از: قطرب نحوی (متوفای ۲۰۶) از دانشمندان نحو و ادب و شاگرد سیبویه و از اصحاب امام صادق (ع) از نخستین کسانی که کتابی با عنوان «الرد علی الملحدین فی تشابه القرآن» تألیف کرده است. پس از وی احمد بن حنبل کتاب «الرد علی الزنادقه و الجهمیه» را به رشته تحریر درآورد. در قرن پنجم هجری قاضی عبدالجبار متکلم مشهور معتزلی با تألیف کتاب «تنزیه القرآن عن المطاعن» در رد شبهات و پاسخگویی به اشکال ملحدان نسبت به قرآن کوشش نموده است. در همین قرن، خطیب اسکافی در کتاب خود موسوم به «دره التنزیل و غره التأویل» به ذکر شبهات ملحدان و پاسخگویی به آن می‌پردازد. آنچه ذکر شد، موارد اندکی از کتاب‌هایی است که در طول تاریخ اسلام در نقد قرآن کریم و پاسخ به آن، تألیف شده است.

در خصوص پاسخ به شبهات کتاب نقد قرآن سها نیز، آیت الله مکارم شیرازی در کتاب «توطئه جدید» (۱۳۹۴ش)، محمدعلی رضایی اصفهانی در کتاب «بررسی مبانی کتاب نقد قرآن» (۱۳۹۵ش)، محمدباقر حیدری نسب در کتاب «دفاع از قرآن در رد کتاب نقد

قرآن» (۱۳۹۵ش) و گروه عبدالرحمن (از برادران اهل سنت) در کتاب «کشف نیرنگ و رد بهتان در رد کتاب نقد قرآن» به نقد کتاب مذکور پرداخته‌اند.

البته در کتب یاد شده، یا اصلاً به شبهه هفت آسمان پرداخته نشده، یا فقط به ذکر نظریات مطرح شده عنایت گردیده و یا بررسی جامعی از آیات و روایات مورد بحث ارائه نشده‌است.

پایانامه‌هایی نیز که در خصوص پاسخ به شبهات کتاب نقد قرآن سها، تألیف و دفاع گردیده عبارتند از: «بررسی شبهات ناظر به انتساب صفت ظلم به خداوند در قرآن کریم» از سوی خانم سمانه تمیزی در سال ۱۳۹۵، «بررسی شبهات موهم نظام طبقاتی قرآن» از سوی خانم مینا موسوی در سال ۱۳۹۵، «نقد شبهات ناظر برخی اشکالات ادبی در قرآن (بر اساس کتاب دکتر سها)» از سوی خانم صدیقه فرهادیان در سال ۱۳۹۶، «نقد شبهات ناظر به آموزه‌های سیاسی و حکومتی قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص)» از سوی خانم زینب عباس‌زاده در سال ۱۳۹۵، «پاسخ به شبهات خشونت‌طلبی پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم» از سوی خانم آرزو خواجه در سال ۱۳۹۵.

لازم به ذکر است که طی بررسی‌های انجام شده، در حال حاضر مقاله‌ای در رابطه با شبهات کتاب نقد قرآن تألیف و چاپ نگردیده است، اما در مورد موضوع هفت آسمان و مصداق آن، مفسران متاخر نظرات گوناگونی را طرح کرده و سعی نموده‌اند هماهنگی آن با علم را نشان دهند. برخی اندیشمندان نیز از دستاوردهای علم کیهان‌شناسی بهره برده، برخی دیگر با نا شناخته یا غیرمادی و مجرد دانستن آسمانها، دست علم بشری را از یافتن مصداق آن کوتاه دیده‌اند (روحانی و معارف، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲).

از کتابهایی که بطور خاص به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به کتاب «هفت آسمان» تألیف محمد باقر بهبودی و کتاب «راز آسمانهای هفتگانه» تألیف ایمان مرادی در سال ۱۳۷۳، اشاره نمود. از مقالاتی نیز که در این زمینه به نگارش درآمده‌اند می‌توان به مقاله‌های «هفت آسمان و زمین» تألیف محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۳۸۷ش)، «آسمان‌های هفتگانه در منظوم قرآن» تألیف علی نصیری (۱۳۸۸ش)، «در جستجوی هفت آسمان قرآن» تألیف

روح الله نجفی (۱۳۹۱ش) و «ماهیت شناسی آسمان‌های هفتگانه با تکیه بر مولفه‌های خلق و امر در آیات قرآن»، تالیف فرزانه روحانی و دکتر مجید معارف (۱۳۹۵ش) اشاره نمود.

۱. بررسی شبهه هفت آسمان و عرش (تخت پادشاهی)

نویسنده که نام مستعار "دکتر سها" را برای خود انتخاب کرده و معرفی خاصی از خود ارائه نکرده، با ذکر آیه‌ای که در آنها سخن از هفت آسمان مطبق آمده (مثلاً در آیات طلاق: ۱۲، ملک: ۳، نوح: ۱۵ و ...) به روایتی از سنن ابن ماجه^۱ اشاره می‌کند و می‌گوید:

«در سنت، این هفت آسمان مطبق و عرش به وضوح توضیح داده شده است. توجه کنید: پیامبر (به یارانش) گفت آیا می‌دانید فاصله‌ی بین آسمان و زمین چقدر است؟ گفتیم خدا و رسولش آگاه‌ترند. گفت بین آنها مسیر ۵۰۰ سال است، و از هر آسمان به آسمان بعدی (فوقانی: سنن ابی داوود) مسیر ۵۰۰ سال است و ضخامت (کثف) هر آسمان هم مسیر ۵۰۰ سال است. و بعد از آسمان هفتم دریایی است که از کف تا سطح آن معادل فاصله‌ی بین آسمان و زمین است. سپس بالای آن ۸ بزتر کوهی قرار دارند که فاصله‌ی بین سم و زانویشان مثل فاصله‌ی بین آسمان و زمین است. سپس در بالای آن (بر پشت آنان: سنن ابی داوود) عرش قرار دارد که فاصله‌ی بین پایین و بالای آن معادل فاصله‌ی زمین تا آسمان است. و خدای تعالی در روی عرش قرار دارد و چیزی از اعمال بنی آدم از او پنهان نیست» (سها، ۱۳۹۳، ص ۸۲).

۱. «قال (الرسول) أتدرون كم بين السماء والأرض فقلنا الله ورسوله أعلم قال بينهما مسيرة خمس مائة سنة ومن كل سماء إلى السماء التي تليها مسيرة خمس مائة سنة وكثف كل سماء مسيرة خمس مائة سنة وفوق السماء السابعة بحر بين أعلاه وأسفله كما بين السماء والأرض ثم فوق ذلك ثمانية أوعال بين ركبهم وأظلافهم كما بين السماء والأرض ثم فوق ذلك العرش بين أسفله وأعلاه كما بين السماء والأرض والله تعالى فوق ذلك ليس يخفى عليه من أعمال بنى آدم شيء» (ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۶۹).

همچنین ناقد قرآن ضمن استناد به آیاتی از قرآن کریم، وجود هفت آسمان را از اعتقادات عربستان زمان جاهلیت بر شمرده و اشاره به آن در شعر امیه بن ابی صلت را حکایت از این نکته می داند که، وجود هفت آسمان و اینکه تخت پادشاهی خدا (عرش) بر فراز آسمان هفتم قرار گرفته در محیط عربستان قبل از محمد هم مطرح بوده است چنانچه امیه بن ابی صلت شاعر جاهلی می گوید:

«لما رأی عین البصیر و فوقه سماء الاله فوق سبع سمائیا»

(هر آنچه چشم بینا می بیند از اوست و بالاتر از آن، آسمان خدا در بالای هفت

آسمان)

او در بیان همسویی آیات قرآن کریم با روایت مذکور اشاره می کند که در سوره هود آمده که عرش خداوند بر روی آب قرار دارد: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ»؛ و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود (هود: ۷). در سوره غافر «الَّذِينَ يُحْمَلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ»؛ کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند و آنها که پیرامون آنند به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند (غافر: ۷) و سوره حاقه از حمل عرش خدا توسط هشت موجود سخن به میان آمده است: «وَالْمَلِكِ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ»؛ و فرشتگان در اطراف [آسمان] اند و عرش پروردگارت را آن روز هشت [موجود] بر سر خود بر می دارند (الحاقه: ۱۷). و در سوره سجده نیز آمده که خداوند خود بر روی عرش قرار گرفته است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ»؛ خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش روز آفرید آنگاه بر عرش قرار گرفت (سجده: ۴). وی سپس چنین نتیجه می گیرد که:

«از نظر محمد (قرآن و سنت) در بالای زمین هفت آسمان قرار دارند

و سپس یک دریا و سپس هشت بز و سپس عرش و روی عرش

خداست. محمد به جای آسمان هشتم، که در سیستم بطلمیوسی فلک

www.SID.ir ثوابت است، دریا و هشت بز و عرش را قرار داده است. واضح است

که هفت آسمان مطابق با نظریه بطلمیوسی رایج در زمان محمد سازگار است، اما دریا و بزها و عرش در نظریه‌ی بطلمیوس نیست. علاوه بر نظریه‌ی بطلمیوس که تا حدودی بر مشاهدات بنیان نهاده شده بود، افسانه‌های آمیخته با مذهب نیز در قبل از محمد در مورد هفت آسمان وجود داشته است. به نظر می‌رسد محمد چیزهایی را از محیط گرفته و چیزهایی هم خودش به آن افزوده است. و می‌دانیم که همه‌ی اینها غلط است. اولاً: چنانچه قبلاً گفتیم اصلاً آسمانی وجود ندارد که هفت عدد باشد. ثانیاً: بینیم فاصله‌هایی که محمد ارائه کرده جمعاً چه مقدار می‌شود» (سها، ۱۳۹۳، ص ۸۴).

در ادامه ناقد قرآن فاصله‌های مطرح شده در حدیث را محاسبه و به گمان خود اثبات نموده که عرض جهان آفرینش بر مبنای حدیث نبوی، ۴/۶ ساعت نوری می‌باشد. سپس چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«بشر امروز تا میلیاردها سال نوری، ستارگان و کهکشان‌ها را رصد کرده است و اثری از آسمان‌های هفتگانه و اثری از دریا و بزها و عرش نیافته است» (سها، ۱۳۹۳، ص ۸۶).

۲. نقد و بررسی شبهه هفت آسمان

شبهه وارد شده در کتاب «نقد قرآن» دارای چهار رکن به شرح ذیل می‌باشد:

۱. اصل تحلیل ناقد قرآن مستند به روایتی از منابع اهل سنت است.
۲. آیاتی از قرآن را ناظر به روایت یاد شده دانسته است.
۳. موضوع هفت آسمان را مربوط به عربستان زمان جاهلیت دانسته که با خرافه آمیخته شده است.
۴. هفت طبقه بودن را در خصوص آسمان نقد کرده است.

با توجه به اینکه ایراد اصلی ناقد قرآن در این شبهه، حدیثی منسوب به پیامبر اعظم (ص) از منابع اهل سنت است، ابتدا صحت حدیث یادشده بررسی و سپس به ترتیب به نقد بخشهای دیگر پرداخته می شود.

۱-۲. نقد سندی احادیث هفت آسمان

همانگونه که گفته شد اصل تحلیل ناقد قرآن مستند به روایتی از منابع اهل سنت است. این روایت به سه طریق در منابع روایی اهل سنت نقل شده که هر سه طریق آن ضعیف و بی اعتبار بوده و حتی علما و محدثان اهل سنت، صحت آنها را از نظر سند و وثاقت راویان آن قبول ندارند.

۱-۱-۲. بررسی سندی طریق اول

طریق سندی حدیث اول بدین شرح است: «أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُصَيْنِ قَالَ نا أَبُو طَالِبِ ابْنِ غِيْلَانَ قَالَ نا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيُّ قَالَ نا مُوسَى ابْنِ إِبْرَاهِيمَ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ قَالَا نا لُؤَيُّ بْنُ أَبِي الْوَلِيدِ بْنُ أَبِي ثَوْرٍ عَنْ سِمَاكٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرَةَ عَنِ الْأَخْنَفِ بْنِ قَيْسٍ عَنِ الْعَبَّاسِ...» (ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۶۹).

ابن جوزی درباره «الْوَلِيدُ بْنُ أَبِي ثَوْرٍ» که از راویان این حدیث است، می گوید: ابن نمیر او را کذاب خوانده و احمد بن حنبل و نسائی او را ضعیف دانسته اند و یحیی بن معین می گوید مورد وثوق نیست (ابن جوزی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۵).

۲-۱-۲. بررسی سندی طریق دوم

طریق سندی حدیث دوم بدین شرح است: «أَخْبَرَنَا أَبُو زَكْرِيَّا الْعَنْبَرِيُّ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ السَّلَامِ، ثنا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، أَنبَأَ عَبْدُ الرَّزَّاقِ، أَنبَأَ يَحْيَى بْنُ الْعَلَاءِ، عَنْ عَمِّهِ شُعَيْبِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سِمَاكُ بْنُ حَرْبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ» (حاكم نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۲،

ابن ابی حاتم این حدیث را به جهت ناشناخته بودن راوی آن (عبدالله بن عمیره)، ضعیف دانسته است (ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲، ج ۵، ص ۱۲۴). همچنین یکی از روایان این حدیث «یَحْيَى بْنُ الْأَعْلَاءِ» است که احمد بن حنبل او را متهم به جعل حدیث نموده است (عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۱۱، ص ۲۶۱). ابن جوزی نیز درباره این حدیث می گوید: صحیح نیست (ابن جوزی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹).

۲-۱-۳. بررسی سندی طریق سوم

طریق سندی حدیث سوم بدین شرح است: «أَخْبَرَنَا ابْنُ الْحَصِينِ قَالَ نَا ابْنُ الْمُذْهَبِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ نَا سُرَيْجٌ قَالَ نَا الْحَكَمُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ قَتَادَةَ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۱۴، ص ۴۲۲).

راوی این حدیث «حکم بن عبد الملک» است که ابن معین او را ضعیف و ابن داوود او را منکر الحدیث دانسته اند (عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۲، ص ۴۳۱). ابن جوزی نیز می گوید: این حدیث منکر است و از روایان ضعیف روایت شده است (ابن جوزی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۷). بعلاوه در رد این حدیث، همین بس که راوی آن «أَبِي هُرَيْرَةَ» است که امیرالمومنین علی (ع) در وصف او می فرماید: «أَلَا إِنَّ أَكْذَبَ النَّاسِ، عَلِيٌّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَبُو هُرَيْرَةَ الدُّوسِيُّ»؛ آگاه باشید که دروغ گوترین مردم نسبت به رسول خدا (ص) ابوهریره دوسی است (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۶۶). او از پیشگامان نقل اسرئیلیات بوده و احادیث بسیاری نیز از او کعب الاحبار نقل کرده که بخاری در کتاب تاریخ الکبیر خود، به برخی از آنها اشاره می کند (بخاری، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۴۱۳).

کعب الاحبار کسی است که ابوریّه (نویسنده و محقق مشهور مصری) درباره او

می گوید:

«کعب الاحبار حیله گرانه اسلام آورد و در اسلام خویش اخلاص

نداشت، بلکه در ضمیر خود همچنان یهودی بود. با زیرکی خاص

خود بر ابوهریره که مردی ساده لوح بود چیره شد و او را در استخدام www.SID.ir

خویش گرفت و از غفلت او استفاده کرده، هر چه را از خرافات و اوهام می‌خواست، از طریق ابوهریره در لابه لای احادیث اسلامی جای داد» (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۷).

احتمالاً این حدیث نیز از همان روایاتی است که ابوهریره آن را از کعب الاحبار اخذ کرده است. با توجه به بررسی‌های فوق، حدیث مورد ادعای ناقد قرآن حتی از نظر محدثان اهل سنت، از نظر سندی ضعیف بوده و قابل استناد نیست.

۲-۲. نقد محتوایی احادیث هفت آسمان مبتنی بر قرآن کریم

یکی دیگر از راه‌های بررسی صحت احادیث، عرضه آنها بر قرآن است. زیرا پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قُلْتُهُ وَ مَا جَاءَكُمْ يَخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ»؛ ای مردم آنچه از جانب من به شما رسید و موافق قرآن بود، آن را من گفته‌ام و آنچه به شما رسید و مخالف قرآن بود، من آن را نگفته‌ام (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸۹).

در حدیث مورد بحث گفته شده: «وَاللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوْقَ ذَلِكَ»؛ خدای تعالی در روی عرش قرار دارد. لازمه این سخن آن است که برای خدا مانند دیگر مخلوقات، مکان مشخصی قائل بوده و عرش را نگهدارنده خداوند بدانیم و این مخالف نص صریح قرآن است که در آیه ۱۱ سوره شوری می‌فرماید: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»؛ هیچ چیز همانند او نیست و در آیه ۱۱۵ سوره بقره می‌فرماید: «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ به هر سو رو کنید، خدا آنجاست و در آیه ۴۱ سوره فاطر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»؛ همانا خدا آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد. در نتیجه این حدیث با نص صریح قرآن مطابقت نداشته و نمی‌تواند فرمایش رسول اکرم (ص) باشد.

۲-۳. نقد محتوایی احادیث هفت آسمان مبتنی بر احادیث صحیح دیگر

همچنین در منابع روایی شیعه نیز، حدیثی با سند صحیح با همین مضمون در رد حدیث مورد بحث وجود دارد. شخصی گفته مردم درباره عرش را خدمت امام صادق (ع) مطرح

نمود و گفت: مردم می گویند که عرش بر روی آب و پروردگار بالای آن است. امام (ع) در پاسخ فرمودند: «كَذَّبُوا، مَنْ زَعَمَ هَذَا فَقَدْ صَيَّرَ اللَّهُ مَحْمُولاً وَ وَصَفَهُ بِصِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ وَ لَزِمَهُ أَنْ الشَّيْءِ الَّذِي يَحْمِلُهُ أَقْوَى مِنْهُ»؛ دروغ می گویند، کسی که این چنین گمان کند، خداوند را موجودی حمل شده قرار داده و او را به صفت آفریدگان، و صف کرده است و لازمه اش این است که آن چه خداوند را حمل می کند (از جهتی) از او قوی تر باشد» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۸۰).

پس، در آیاتی که ناقد قرآن ذکر نموده و در آنها سخن از عرش به میان آمده، منظور از «عرش» یک وجود خارجی مادی مثل تخت پادشاهی نیست؛ بلکه مراد از عرش، «علم»، «ملک الهی و سیطره بر آن (قدرت)»، «قلب مومن»^۱ و ... است.

شیخ صدوق در کتاب «توحید» روایتی از امام صادق (علیه السلام) درباره عرش ذکر نموده که می فرمایند: «إِنَّ لِلْعَرْشِ صِفَاتٍ كَثِيرَةً مُخْتَلِفَةً، لَهُ فِي كُلِّ سَبَبٍ وَصَنَعٍ فِي الْقُرْآنِ صِفَةٌ عَلَى حُدِّهِ، فَقَوْلُهُ: «رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (توبه: ۱۲۹) يَقُولُ: الْمَلِكُ الْعَظِيمُ، وَ قَوْلُهُ «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵) يَقُولُ: عَلَى الْمَلِكِ احْتَوَى...؛ برای عرش، او صاف فراوان و گوناگونی است، عرش در هر موردی از قرآن که به مقتضای سببی از آن ذکری به میان رفته است، و صف خاصی دارد، آن جا که فرمود: «رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»؛ پروردگار عرش بزرگ، مراد ملک بزرگ است، و آن جا که می فرماید: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»؛ خداوند رحمان بر عرش استوار شد، مراد آن است که بر ملک احاطه یافت (ابن بابویه، ۱۳۸۸، ص ۳۲۱).

همچنین امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۱۷ سوره الحاقه «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً»؛ آن روز عرش پروردگارت را هشت تن بر فراز همه حمل می کنند، می فرمایند: «حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ الْعَرْشِ الْعِلْمُ ثَمَانِيَةً: أَرْبَعَةٌ مِنَّا وَ أَرْبَعَةٌ مِّنْ شَاءِ اللَّهِ»؛ حاملین عرش و عرش به معنی علم است، هشت نفرند، چهار کس از ما و چهار کس از آنها که خدا بخواهد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۷۹).

امام صادق (ع) درباره آیه ۷ سوره هود «كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ»؛ عرش او بر آب بود نیز، عرش را علم خدا معنا نموده اند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۸۰). مراد از آب نیز می تواند معنای عام آن، یعنی هر چیز مایعی باشد. با توجه به اینکه «کان» فعل ماضی است، این آیه به زمان پیش از خلقت آسمان و زمین اشاره دارد که همه چیز در برهه‌ای از زمان به صورت مایع بود و خداوند با علم و قدرتش، مسلط بر آن، عالم را اداره می فرمود. جهت توضیح بیشتر باید گفت: چند میلیونوم ثانیه بعد از انفجار بزرگ، «پلاسمای کوارک گلوئون»^۱ به وجود آمد که یک مایع کامل با دمای بسیار بالا (حدود چند هزار میلیارد درجه) است (Choi, 2012). پلاسمای کوارک گلوئون یا سوپ کوارک، حالتی است که در دما و یا چگالی های بسیار بالا (مثل اولین میکرو ثانیه های پس از انفجار بزرگ) رخ می دهد (Fritzsich, 2011, p: 419).

با توجه به مطالب فوق، قطعاً حدیث ذکر شده توسط ناقد قرآن بی اعتبار و غیر قابل استناد بوده و آیاتی که ناقد قرآن، برای شاهی بر حدیث نقل می نماید به هیچ عنوان ربطی به این حدیث نداشته و محاسبات عددی او نیز مبنایی ندارند.

۲-۴. نقد تاریخی نظریه هفت آسمان

اعتقاد به وجود هفت آسمان، از کهن ترین اعتقادات تاریخ بشر بوده که از ادیان توحیدی و الهی سرچشمه می گیرد نه بالعکس. در بخش «داستان آفرینش» تورات، سخن از آسمان هاست، نه یک آسمان. نویسنده آمریکایی، جیمز هاکس، در این رابطه می نویسد: «خاخام های یهود، آسمان را هفت گویند» (هاکس، ۱۹۲۸، ص ۶۳).

همچنین قرآن کریم در آیه ۱۵ سوره نوح، از قول حضرت نوح (ع) به کفار می فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَمَاعَاتِ طِبَاقًا»؛ مگر نمی بینید که چگونه خدا هفت آسمان را به صورت طبقات آفریده است. در نتیجه مسأله هفت آسمان، حتی قبل از پیدایش یهودیت و مسیحیت مطرح بوده و ریشه در وحی و تعالیم انبیاء الهی داشته و از آنجا به

^۱. quark gluon plasma

اساطیر ملل دیگر وارد گشته است. ناقد قرآن نیز به این مطلب اشاره نموده و می‌گوید افسانه‌های آمیخته با مذهب در قبل از محمد در مورد هفت آسمان وجود داشته است. ناقد قرآن شعری نیز از قول امیه بن ابی صلت از کتاب «بلوغ الأرب فی معرفه أحوال العرب» نوشته آلوسی، آورده اما در این کتاب و در بخش امیه بن ابی صلت (۲۰۱۲، ج ۳، ص ۱۲۱) چنین شعری وجود نداشت، ولی در عوض این شعر در کتب مختلف مربوط به علوم لغت و نحو مانند «خزانة الأدب و لب لباب لسان العرب» (۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۴۶) نوشته عبدالقادر بغدادی آورده شده و برای آن هیچ سندی ذکر نشده است و لذا قابل بررسی و استناد نیست. اما حتی اگر واقعاً منسوب به امیه بن ابی صلت باشد، دلیلی بر مدعای ما مبنی بر منشاء الهی داشتن اعتقاد به هفت آسمان است؛ زیرا امیه بن ابی صلت فردی حکیم و یکتاپرست و آشنا به کتب انبیای گذشته بوده است. چنانکه عبدالقادر بغدادی درباره این قصیده می‌گوید:

«این قصیده بلندی م شتمل بر توحید الهی و قصص بعضی از انبیاء، مثل نوح، موسی، یوسف، داوود و سلیمان (علیهم السلام) است» (بغدادی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۴۶).

نکته دیگر اینکه در نظریه هیئت بطلمیوسی، سخن از هشت یا نه فلک بود (نیک سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵) که مربوط به مدار و جایگاه سیارات می‌شد و اصلاً صحبتی از هفت آسمان نبود. البته با توجه به سیطره این نظریه در قرون گذشته، برخی مفسرین، در انطباق و توجیه آیات قرآن کریم با این نظریه، تلاش نمودند.

هفت فلک برای ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل و یک فلک برای ستاره‌های ثابت (فلک ثوابت) که در مجموع هشت فلک را تشکیل می‌داد. برخی نیز بعد

۱. چند بیت اول این قصیده بلند عبارتست از:

ألا كل شيء هالك غير ربنا	ولله میراث الأذى كان فانیا
ولی که من دون کل و لایه	إذا شاء لم یسوا جمیعاً موالیا
(و این یک شیء خالدا و معمرا	تأمل تجد من فوّه الله باقیا)
که ما رأت عین البصیر و فوّه	سماء الاله فوق سبع سماثیا)

از فلک هشتم، به فلک دیگری به نام «فلک الافلاک» اشاره می‌کردند و معتقد بودند که همه ستاره‌ها روی آن چسبیده‌اند. به این هشت یا نه فلک در اصطلاح، افلاک کلی می‌گفتند. افلاک جزئی نیز افلاکی مانند خارج مرکز، حامل، مدیر و ... هستند که برای هر سیاره به طور مجزاً در نظر گرفته می‌شدند و به کمک آنها حرکت سیارات تبیین می‌شد (نیک‌سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵).

۲-۵. نقد نظریه هفت آسمان بر اساس نظرات مفسران قرآن کریم

اینکه منظور از هفت آسمان در قرآن کریم چیست، نظرات متنوعی وجود دارد. برخی آن را مادی و برخی دیگر آن را غیر مادی می‌دانند. گروهی مصداقی معین نمی‌کنند و برخی مصداقی برای آن برمی‌شمارند. هرچند که موضوع مقاله این مطلب را دربر نمی‌گیرد، اما در اینجا به بخشی از این نظرات که به نحوی مورد تأیید آیات قرآنی است، اشاره می‌شود:

الف) برخی گفته‌اند منظور از آسمان در قرآن، مقام قرب و حضور و راهی برای سلوک امر و تدبیر عالم و رفت و آمد ملائکه است که از آن طریق امر الهی جریان می‌یابد. برای مثال در آیه ۵ سوره سجده می‌فرماید: «يَدَّبَّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ»؛ اوست که امر عالم را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۷).

ب) برخی مفسران با استناد به آیه ۶ سوره صافات «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» و در نظر گرفتن معنی عبارت «السَّمَاءُ الدُّنْيَا» به «آسمان پایین‌تر»، بر آنند که همه این سیارات، ستارگان و کهکشان‌ها در آسمان اول قرار داشته و شش آسمان دیگر، خارج از آسمان اول وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۲۴). و سعت دنیای خارج به حدی است که علم نجوم نتوانسته ابعاد آن را مورد شناسایی قرار دهد. به همین دلیل با توجه به عدم آگاهی ما از تمام ابعاد جهان و نیز توجه به اینکه مجهولات موجود در زمینه علم نجوم در برابر یافته‌های علمی، قابل مقایسه نبوده و نظریه‌های فعلی نیز پاس‌خگوی مجهولات نمی‌باشند،

لذا دلیل علمی بر رد این نظریه وجود ندارد. چنانکه «شان کارول»^۱ از فیزیکدانان برجسته، در این رابطه می گوید:

«در حال حاضر ما مدل خوبی برای جهان نداریم» (Atkinson, 2015).

ج) عده‌ای گفته‌اند با توجه به اینکه در زبان عربی، گاهی مراد از کلمه «هفت» تعداد کثیر است، پس هفت نماد کثرت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۶۱). به عنوان مثال در آیه ۲۷ سوره لقمان «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ»؛ اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریا به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود، ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد، مراد از «هفت دریا» بیان کثرت است؛ زیرا اگر صدها دریا هم باشد، برای نگارش کلمات خدا کافی نیست. در نتیجه مراد از هفت آسمان و هفت زمین که در قرآن کریم به آنها اشاره شده، تعداد عظیم و کثیر کواکب آسمانی و کراتی مشابه زمین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۶۱).

در این تفسیر واژه «سما» که از ریشه «سُمُو» می‌باشد (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۹۸)، به معنای چیزی بالای چیز دیگر (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۱۹) در نظر گرفته شده و از این رو به آنچه بالای سر انسان قرار گرفته (مثل ستارگان، کرات، شهاب سنگ‌ها و ...) سما گفته می‌شود.

د) برخی گفته‌اند منظور از «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ» لایه‌های اتم‌سفر و فضای بعد از آن است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹) که زمین را در بر گرفته و به صورت طبقه طبقه از مجاورت زمین شروع و تا میلیاردها سال نوری ادامه می‌یابد. در این دیدگاه تفسیری، معنی عبارت «السَّمَاءُ الدُّنْيَا» در آیه ۶ سوره صافات «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِيَزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»؛ «آسمان جهان ماده» یا فضای کیهانی بعد از لایه‌های جو زمین در نظر گرفته می‌شود، نه «آسمان پائینتر».

جهت توضیح بیشتر باید گفت جو زمین از شش لایه تشکیل شده که عبارتند از: لایه تروپوسفر، استراتوسفر، مزوسفر، ترموسفر، یونوسفر، اگزوسفر (Jarumayan & Sadili, 2003, p: 114) که مجموعاً با فضای کیهانی بعد از خود، هفت آسمان مطبق را تشکیل می‌دهند. در واقع بر اساس این دیدگاه، هفت آسمان یعنی شش لایه جو زمین، به اضافه فضای کیهانی بعد از آن.

با توجه به مطالبی که ارائه گردید، می‌توان نتیجه گرفت که وجود لایه‌های جو و فضای بعد از آن، به عنوان مصداقی برای آسمان مطبق و لایه‌لایه، از یافته‌های مسلم و قطعی در علوم طبیعی بشمار رفته و لذا ادعای ناقد قرآن مبنی بر عدم وجود آسمان مطبق در یافته‌های علمی، اشتباهی بیش نبوده که ریشه در عناد، لجاجت و بی‌اطلاعی او از مباحث علمی دارد.

نتیجه‌گیری

دشمنان قرآن در طول تاریخ مبارزه سختی را علیه این کتاب داشته‌اند تا اعتقادات گروندگان یا علاقه‌مندان به مطالعه در مورد اسلام را تضعیف و سست کنند. یکی از منابع القاء شبهات، کتاب «نقد قرآن سها» است. تلاش نویسنده در این کتاب، اثبات وجود خطا و ضعف در قرآن کریم می‌باشد. نویسنده در بخشی از آن، با استناد به آیات و روایاتی از قرآن کریم و سنت نبوی، به نقد آیات مربوط به هفت آسمان پرداخته و آن را اشتباه علمی قلمداد نموده است. محور شبهات مطرح شده توسط ناقد قرآن عبارتند از:

۱. استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص)
۲. استناد به آیاتی از قرآن در توضیح حدیث مذکور
۳. ارتباط دادن موضوع هفت آسمان در قرآن، به نظریه بطلمیوسی و افسانه‌های کهن
۴. اشتباه دانستن وجود هفت آسمان مطبق از نظر علمی

این تحقیق، ضمن بررسی دقیق مستند روایی ناقد قرآن، بی اعتبار و غیر قابل استناد بودن آن را آشکار کرده و نیز اثبات نموده که آیات مورد استناد به عنوان شاهد صحت حدیث مورد استفاده، ربطی به حدیث مورد نظر ندارد.

افزون بر این، نشان داده شد که مسأله هفت آسمان، حتی قبل از پیدایش یهودیت و مسیحیت مطرح و ریشه در وحی و تعالیم انبیاء الهی داشته و از آنجا به اساطیر ملل دیگر وارد شده است، نه بالعکس. همچنین، مسئله هفت آسمان ربطی به نظریه هیئت بطلمیوسی، که در آن سخن از هشت یا نه فلک است، ندارد.

نکته مهم علمی این است که ناقد قرآن دلیلی بر غیر علمی بودن داده قرآنی ندارد، در حالی که وجود آسمان مطبق؛ «طباق» (ملک: ۳) که بر «لایه‌های جو» قابل تطبیق است، از یافته‌های مسلم و قطعی علمی است که می‌تواند مصداقی برای تأیید نظریه قرآن باشد.

لازم به ذکر است که در مورد هفت آسمان نظریه قطعی در میان دانشمندان وجود ندارد و یافته‌های علم نجوم و فیزیک از اظهار نظر قطعی در این باره عاجز است. از سویی، قرآن کریم از سوی خالق دانا به اسرار عالم نازل گشته و تصریح دارد که حق و صدق است و هیچ باطلی در آن راه ندارد. تا کنون هر چه کشف شده شاهد صدق ادعای قرآن بوده و به موازات پیشرفت علوم طبیعی، پرده از اسرار آیات قرآن کریم برداشته شده است. نظریه هفت آسمان نیز داده‌ای وحیانی است که هیچ دلیلی بر رد آن وجود ندارد، بلکه مؤید هم دارد.

منابع

۱. **قرآن کریم**، (۱۴۱۵ق)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود شکر، (۲۰۱۲م)، **بلوغ الأرب فی معرفة أحوال العرب**، بیروت: دار الکتب المصری.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۲۸ق)، **شرح نهج البلاغة**، بغداد: دار الکتب

۴. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن ابی حاتم، (۱۹۵۲م)، **الجرح واثمه مد یل**، بیروت: دائرة المعارف العثمانیه.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۸۸)، **توحید**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۰۳ق)، **العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیة**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۳۹۹ق)، **معجم مقاییس اللغة**، بیروت: دار الفکر
۸. ابن ماجه، محمد بن یزید، (۱۴۱۸ق)، **سنن ابن ماجه**، بیروت: دار الجیل.
۹. احمد ابن حنبل، أبو عبدالله، (۱۴۲۱ق)، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، بیروت: مؤسسۀ الرسالة
۱۰. بخاری، محمد بن إسماعیل، (۲۰۰۹م)، **التاریخ الكبير**، بیروت: دائرة المعارف العثمانیه.
۱۱. بغدادی، عبدالقادر بن عمر، (۱۴۱۸ق)، **خزانة الأدب ولب لباب لسان العرب**، قاهرة: مكتبة الخانجی.
۱۲. بوکای، موریس، (۱۳۷۲)، **مقایسه ای میان: تورات، انجیل (با اضافات)، قرآن و علم**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۲ق)، **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، «هفت آسمان و زمین»، **مجله قرآن و علم**، سال ۱، شماره ۲.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، **بررسی مبانی کتاب نقد قرآن**، قم: مرکز پژوهش قرآن کریم المهدی.
۱۶. روحانی مشهدی، فرزانه؛ معارف، مجید، (۱۳۹۵)، «ماهیت شناسی آسمان های هفتگانه» با تکیه بر مولفه های خلق و امر در آیات قرآن، **نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، شماره ۲.
۱۷. سها، (۱۳۹۳)، **نقد قرآن**، بی جا: بی نا.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۱۹. عسقلانی، ابن حجر، (۱۳۲۶ق)، **تهذیب التهذیب**، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷)، **اصول کافی**، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، **التحقیق فی کلمات القرآن**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹)، **تفسیر و مفسران**، قم: مؤسسه التمهید.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. نجفی، روح الله، (۱۳۹۱)، «در جستجوی هفت آسمان قرآن»، **فصلنامه کتاب قیوم**، سال ۲، شماره ۷.
۲۶. نصیری، علی، (۱۳۸۸)، «آسمان های هفتگانه از منظر قرآن»، **فصلنامه کاوش های دینی**، شماره ۲.
۲۷. نیک سرشت، ایرج؛ شهریار، صادق، (۱۳۹۴)، «مسأله بساطت فلک محدّدالجهات و مناقشه قوشچی در آن»، **فصلنامه تاریخ علم**، دوره ۱۳، شماره ۱.
۲۸. هاکس، جیمز، (۱۹۲۸ م)، **قاموس کتاب مقدس**، تهران: انتشارات اساطیر.
29. Atkinson, Nancy, (2015), **Thinking about Time before the Big Bang**, <http://bigbangpage.com> p=609.
30. Choi, Q. Charles, (2012), **Primordial 'Soup' of Big Bang Recreated**, Live Science Contributor
31. Fritzs, Harald & Phua, K. K, (2011), **Proceedings of the Conference in Honour of Murray Gell-Mann's 80th Birthday**, World Scientific Publishing, ISBN 978-981-4335-60-7.
32. <http://farsi.khamenei.ir/speech/content?id=34309>
33. Jarumayan, A. Germana & Sadili, V. Milagros, (2003), **The Changing Earth**, KATHA PUBLISHING CO, INC.
34. Persaud, TVN, (2013), "Embryology in the Qur'an", <https://www.youtube.com>.

Bibliography:

1. The Holy Quran
2. 'Ālūsī Baghdadi MSh. *Bulūgh al-'Arab fī Ma'rifat-i 'Aḥ wāl a-Arab*. Cairo: Dar al-Kitāb al-Miṣ rī; 2012.
3. Atkinson N. Thinking About Time Before the Big Bang, <http://bigbangpage.com> p=609; 2015.
4. Baghdadi ' ABM. *Khazānat al-Arab wa Lubbu Lubāb al-Lisān al-Arab*. Cairo: Al-Khānjī Library; 1418 AH.
5. Bukay M. *A Comparison Between: The Torah, the Bible (with additions)*. Tehran: Quran and Science, Islamic Culture Publication Office; 5th ed, 1372 HS.
6. Bukhārī MbI. *Al-Ta'rīkh al-Kabīr*. Np: Dā'ir al-Ma'ārif al-Uthmānīyah; 2009.
7. Choi QCh. Primordial 'Soup' of Big Bang Recreated, Live Science Contributor; 2012.
8. Fritsch H. Phua KK. *Proceedings of the Conference in Honour of Murray Gell-Mann's 80th Birthday*, World Scientific Publishing; 2011, ISBN 978-981-4335-60-7.
9. Ḥākīm Nayshābūrī A' AḤ. *Al-Mustadrak 'ala al-Ṣ aḥ ṭḥ ayn*. Research: Mustafa ' Abd al-Ghādir ' Aṭ ā'. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīyyah; 1422 AH.
10. Hawks J. *The Bible Lexicon*. Beirut: American Lithography, Stone-Lead Printing; Library, Museum and Document Center of the Majlis (1928); Tehran: Mythological Publications, 1377 HS.
11. [Http://farsi.khamenei.ir/speech content?id=34309](http://farsi.khamenei.ir/speech content?id=34309)
12. Ibn Abi al-Ḥadīd 'I' AḤH. *Sharḥ -u Nahjulbalāghah*. Baghdad: Dar al-Kitāb al-Arabi; 1428 AH.
13. Ibn Fāris A. *Mu' jam Maqāyīs al-Lughah*. NP: Dar al-Fikr; 1399 AH.
14. Ibn Ḥajar ' Asqalānī AB' . *Tahdhīb Al-Tahdhīb*. India: Dā'irat al-Ma'ārif al-Niḗ āmīyah; 1326 AH.
15. Ibn Ḥanbal ABM. *Al-Musnad*. Research: Al-Arnaout. Np: Al-Risalah Institute; 1421 AH / 2001.
16. Ibn Jawzī 'AR. *Al-'Ilal al-Mutanāhīyah fī al-'Ahādīth al-Wāhīyah*. NP: Dar al-Kutub al-'Ilmīyah; 1403 AH.
17. Ibn Mājah MBY. *Al-Sunan*. Beirut: Dār Al-Jayl; 1418 A.H.

18. Ibn'Abai Ḥātām al-Rāzī 'ARbM. Kitāb al-Jarḥ wa al-Ta'dīl. In Dā'irat al-Ma'ārif al-Uthmānīyah; 1952.
19. Jarumayan AG. Sadili VM. The Changing Earth, KATHA PUBLISHING CO, IN; 2003.
20. Kulaynī MBY. 'Uṣ ūl al-Kāfī. Research: Ghafari AA & Akhondi M. Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīyah; 1367 HS.
21. Majlisī MB. Biḥ ār Al-'Anwār. Beirut: Al-Wafā' Institute; 1403 AH.
22. Makarem Shirazi N. The Commentary of Nemuneh. Dār al-Kutub al-Islāmīyah; 1374 HS.
23. Marefat MH. Exegeses and Exegetes. Qom: Tamhid Cultural Institute; 1379 HS.
24. Mostafawi H. Al-Taḥ qīq fī Kalamāt al-Qur' an al-Karīm. Tehran: Islamic and Culture Ministry; 1368 HS.
25. Najafi R. In Search of Seven Heavens. Ketab-e Qayyem, 1391: 2 (7).
26. Nasiri A. Seven Heavens in the Qur'an. Religious Researches, 1388: 2.
27. Niksersht I. Shahriar S. "The Problem of Mohadd al-Jihad's Flexibility and its Qushchi Conflict". History of Science, 13 (1); 1394 HS.
28. Persaud, TVN, (2013), "Embryology in the Qur'an", <https://www.youtube.com>.
29. Rezayi Isfahani MA. Seven Heavens and Earth. Qur'an and Science; 1387: 1 (2).
30. Rezayi Isfahani MA. Study of the Bases of the Book of "the Qur'an Criticism". Qom: Al-Mahdi Research Center of the Holy Qur'an; 1395 HS.
31. Rohani Mashhadi F. Maaref M. The Ontology of the Seven Heavens, Based on the Components of Creation and Order in Qur'anic Verses. Researches on Quran and Hadith; 1395 HS: 2.
32. Ş adūq (Ibn Bābiwayh) MbA. Al-Tawḥ īd. Research: Hosseini SH. Qom: Jami'at al-Mudarrisīn; 1388 AH.
33. Soha. Quran Criticism. Np: 3rd ed, 1393.
34. Ṭ abāṭ abāyī MH. Al-Mīzān fī Tafsīr Al-Qur' ān. Qom: Teachers Community of Islamic Seminary; 1417 AH.

Review of Dr. Saha's Misconceptions on the Seven Heavens in the Qur'an

*Hossein Rezayi¹
Farajollah Mirarab²*

Received: 2/4/2018

Accepted: 18/5/2018

Abstract

Challenging the holy Qur'an has been existed in various ways since the first days of the descent and today is still ongoing. A common method was always spreading doubts against the Qur'an by the enemies in order to weaken the Muslims' beliefs. In this regard, a claim was made by a person named Dr. Saha, said to be the most complete writing in criticizing the Qur'an. He attempted to show the existence of errors and faults in the Qur'anic text. In his section of scientific misconceptions, based on some verses and hadiths, he criticized those verses concerning "seven heavens". He denied this Qur'anic claim, linking it to Ptolemaic theory and ancient myths. This research aims to examine and criticize Saha's claim. Based on library documents and the descriptive-analytical method with a critical approach, it attempts to defend the revealed being of the Qur'an and the truth of all its contents, including scientific data. As a result, the study shows that, first, the author relied on the weak narratives; secondly, the subject of the seven heavens rooted in the divine revelation and then entered into the myths of other nations (not vice versa), and is not related to the Ptolemaic theory speaking of eight or nine heavens. Thirdly, there is not only any scientific reason to reject the seven heavens, but the existence of the leveled sky in the atmosphere (the layers of the atmosphere) is one of the definite scientific findings. It may confirm the Qur'anic verses on the issue, though scientific information is still less in this regard.

Keywords: *Qur'an, Dr. Saha, Seven Heavens, Ptolemaic Theory.*

¹. MA Student of Qur'an and Hadith Sciences and Master in Management of Human Resources. (Corresponding Author) hossein.reza.364@gmail.com

². Associate Professor in Research Center of Islamic Sciences and Culture.